

# اصول فنی نمایشنامه نویسی

## رادیوئی

دوم اینکه جملات را بصورتی که در کتاب استعمال می شود در رادیو نباید استعمال کرد  
مثلا نوشتن این جمله در کتاب صحیح است : هنگام بامدادان که خورشید رخشان همچون  
قرصی زرین در پهنه آسمان نمایان گشت و جهان را به نور خود منور ساخت عزالدین سرمست  
ازباده ناب از قصر بزرگ و پرشکوه خلیفه پای بیرون نهاد .  
جمله ای چنین طولانی در محاوره استعمال نمی شود ، در نمایشنامه رادیوئی باید این  
جمله را به چند جمله کوچکتر تقسیم کرد باین شکل : صبح شده بود ، خورشید مثل یک قرص  
زرین تو آسمون می درخشید . همه جا روشن بود . عزالدین از قصر خلیفه بیرون اومد .  
از اون قصر بزرگ پرشکوه . عزالدین از بس شراب خورده بوده مست مست بود .  
در صورتیکه امکان داشته باشد همین جمله را باید بصورت گفتگو بین دو هنرپیشه  
تنظیم کرد باین شکل :

احمد - محسن ، امروز عزالدینو دیدم

محسن - کجا؟

احمد - جلو قصر خلیفه ، از اون قصر بزرگ و پرشکوه بیرون میومد مست مست بود .

محسن - چه وقت دیدیش ؟

احمد - صبح زود .

محسن - صبح زود بیرون اومده که کسی نبینه مسته .

احمد - اتفاقاً هوا کاملاً روشن شده بود و خورشید تو آسمون می درخشید .

هر مطلبی که برای رادیو نوشته می شود باید ساده و روان و در قالب جملات کوتاه عرضه شود و در عین حال از وضوح و سراحت کامل نیز برخوردار باشد .

ب - صحنه ها - در نمایشنامه رادیویی حوادث در زمان ها یا مکانهای مختلف و با حضور اشخاص مختلف وقوع می یابد . آنچه در یک زمان و در یک مکان اتفاق می افتد يك صحنه را تشکیل می دهد . در صحنه بعدی ممکن است زمان یا مکان عوض شود ، اعم از اینکه اشخاص عوض بشوند یا نشوند . مثلاً صحنه اول نمایشنامه ، گفتگویی است بین يك مادر و فرزند ، مادر سعی دارد فرزند را بکار و کوشش و درس خواندن تشویق کند و فرزند اظهار میدارد که درس و تحصیل فایده چندانی ندارد . صحنه بعد با تجسم سر و صدای شاگردان مدرسه و گفتگویی بین همان فرزند و شاگردان دیگر آغاز می شود . در این دو صحنه زمان و مکان و بعضی اشخاص (مادر) هر سه تغییر یافته اند ، اما اگر در همین مثال ، صحنه دوم گفتگوی بین مادر و پدر باشد لازم نیست که مکان هم تغییر کند ، بلکه در همان مکان اول میتوان صحنه را ترتیب داد .

فاصله بین صحنه ها به وسیله موزیک پر می شود .

مدت هر صحنه نباید بیش از سه چهار دقیقه باشد .

شنونده ، گفتگوی دو نفر را بمدت دو دقیقه می تواند تحمل کند ؛ اگر بیشتر از آن باشد خسته خواهد شد در صورتیکه مطلب در این مدت تمام نشود باید با تمهید دیگری از قبیل وارد کردن صدای تازه (مانند زنگ ساعت ، صوت ترن ، صدای هواپیما و نظایر آن) صحنه را از یکنواختی بیرون آورد . گفتگوی سه چهار نفر در صورتیکه جالب باشد تا سه چهار دقیقه نیز قابل تحمل خواهد بود .

صحنه به دلخواه شما قابل تغییر نیست ، بلکه همانطور که صحنه های واقعی زندگی روی قاعده و منطق عوض می شود تعویض صحنه نمایش رادیویی نیز باید موجه و مدلل باشد . اگر گفتگویی بین دو نفر جریان دارد نباید بدون دلیل با موزیک قطع شود ، بلکه مثلاً باید یکی از دیگری خدا حافظی کند . این نشان پایان یافتن واقعی صحنه است ، یا صدای تصادف دو اتومبیل موجب شود که آنان گفتگویی خود را قطع کنند و به تماشای حادثه بروند و این تصمیم آنان به شنونده نیز تفهیم شود . مثلاً یکی از آنها بگوید «مثل اینکه دو تا ماشین تصادف کردند بریم تماشا کنیم» .

با اینکه حداکثر زمان هر صحنه نباید بیش از چند دقیقه باشد حداقل آن معین نیست ممکن است حتی يك جمله يك صحنه را تشکیل دهد .

مثال : موضوع صحنه تجسم حالت و اندیشه‌های مادری است که می‌خواهد يك چشم خود را به فرزندش که در حادثه‌ای هر دو چشم خود را از دست داده است بدهد .

(موزيك غم انگيز و پرهيجانی در متن است)

مادر - خدایا، تو میدونی که من حاضرم هر دو چشمم رو به پسر م بدم . اما آیا این کار درسته؟  
(موزيك متن بالا می‌آید و پس از چند لحظه مجدداً در متن ادامه می‌یابد).

مادر - خدایا، اگر من يك چشمم و دادم ، اما او با چشم من نتوانست ببینه اونوقت چی میشه!  
آیا در اون صورت مادری که دو چشم داشته باشد برای فرزند نایبناش از مادری که يك چشم داشته باشد مفیدتر نیست ؟

(موزيك متن بالا می‌آید و پس از چند لحظه مجدداً در متن ادامه می‌یابد)

مادر - خدایا ، چقدر خوشبختم اگر بتونم با يك چشم پسر م رو ببینم که بطرف من میاد و بمن میگه :

پسر - (با انعکاس) 'مادر من تورو می‌بینم ، با چشم تو ، آیا تو چشم خودتو تو صورت من می‌بینی؟

مادر - (با گریه شادی) آره پسر م ، آره عزیزم ، من تمام وجودم تو صورت تو می‌بینم  
(صدای گریه مادر)

(موزيك متن بالا می‌آید و صدای گریه مادر را می‌پوشاند)

در مثال بالا عوض شدن صحنه به معنی عوض شدن زمان یا مکان نیست ، بلکه موزيك در حقیقت فاصله زمانی بین افکار مختلف يك مادر را پرمی‌کند و در عین حال گویای مطالبی است که مادر بیان نمی‌کند و به سخنان او کمال و تجسم می‌بخشد . اما ممکن است حقیقتاً زمان و مکان نیز در صحنه‌های کوتاه عوض شود .

مثال :

(صدای زدن چکش به قلم سنگتراش و کنده شدن و افکندن سنگریزه‌ها)

سنگتراش - چه آفتاب گرمی ، دیگه نمی‌تونم کار کنم - خدایا کاش من سنگتراش نبودم و آفتاب بودم .

صدای خیالی - (با انعکاس) تو آفتاب خواهی شد .

(موزیکی که با ضربات سنگین و خیال انگیز طبل آغاز می‌شود)

سنگتراش - آفتابم ، آفتاب گرم که بهمه جا می‌تابه ، آه ، این چیه جلومنو گرفته؟ ابر ، ابر سیاه لعنتی ، خدایا کاش من ابر بودم .

صدای خیالی - (با انعکاس) تو ابر خواهی شد

همان موزيك بالا

۱- راجع بانعکاس و مورد استعمال آن شرح داده خواهد شد .

سنگتراش - من ابرم جلو آفتاب رو می گیرم، قدرت من از خورشیدم بیشتره .  
(صدای باد)

سنگتراش - چی؟ چرا بی اراده باینطرف و اونطرف کشونده میشم؟ آه باد، باد نیرومند  
خشن. خدایا کاش من باد بودم.

صدای خیالی - تو باد خواهی شد (همان موزیک بالا . صدای باد)

سنگتراش - من بادم، بهر کجا که دلم بخواد میرم، هیچ چیز مانع حرکت من نیست  
من از همه قویترم

(صدای باد ناگهان شدید و بلافاصله متوقف می شود).

سنگتراش - آخ سرم - سر من بهمانی برخورد کرد، بکوه، کوه از من قویتره خدایا  
کاش من کوه بودم.

صدای خیالی - تو کوه خواهی شد.

(همان موزیک بالا)

سنگتراش - من کوهم، کوه سر بلند و استوار، هیچکس از من تواناتر نیست، قوی ترین  
آفریده خداوندم.

(صدای خوردن چکش به قلم سنگتراش و جدا شدن و افتادن سنگریزه ها)

سنگتراش - آه این کیه که داره بدنمو مجروح میکنه؟ این هر که هست از من قویتره تو کی  
هستی؟ .. آه شناختمت. سنگتراش، قدرت تو از همه بیشتره خدایا من دلم

میخواد سنگتراش باشم.

صدای خیالی - (با انعکاس) تو سنگتراش بودی و سنگتراش هستی، قدرتی که در تو وجود دارد

از تمام قدرتها بالاتره، بشرط اینکه خودت را بشناسی.

(موزیک)

نکته دیگری که باید در نظر داشت اینست که فاصله زمانی صحنه ها حتی الامکان

باید کم باشد، دختری که هیجده سالگیش در یک صحنه تجسم یافته، اگر بخواهیم در صحنه

بعد شصت سالگیش را مجسم کنیم با این اشکال مواجه می شویم که هنرپیشه هر قدر هم هنرمند

باشد نمی تواند چنین اختلافی را در صدای خود ایجاد کند و در نتیجه صحنه مصنوعی میشود.

ج - هنرپیشگان - نویسنده نمایشنامه رادیویی نخست باید قالب داستانی که میخواهد

بنویسد در نظر مجسم کند، پس از آن به این نکته توجه کند که چه نقشهایی در

نمایشنامه او وجود دارد و چند هنرپیشه جمعاً برای اجرای نمایشنامه لازم است.

در یک نمایشنامه که روی صحنه اجرا میشود عوامل مختلفی برای جلب توجه بیننده

و تفهیم مطلب باو وجود دارد، لباس، دکور، گریم، نور، صدا، موزیک، حرکت و ژست،

در صورتیکه در رادیو جز صدای هنرپیشه و موزیک و ساند افکت هیچ عامل دیگری در اختیار

نیست ، به همین جهت موجبات ابهام موضوع وعدم درك مطلب بوسیله شنونده بیشتر است . آنچه موجب شدت این ابهام می شود در درجه اول زیاد بودن عده هنرپیشگان و در درجه دوم نزدیک بودن خصوصیات و شباهت صدای آنان به یکدیگر است . گنگ بودن وعدم رعایت پاره ای نکات در نوشته نیز با ابهام مطلب کمک می کند اگر در صحنه ای پدر و مادر و دختر و پسر ی گفتگو کنند و فرزندان با پدر و مادر لااقل بیست سال اختلاف سن داشته باشند و در انتخاب هنرپیشگان نیز دقت شده باشد شنونده کاملاً تشخیص میدهد که چه کسانی حرف می زنند و ابهامی بوجود نمی آید ، بخصوص که علاوه بر صدا ، لحن گفتار و شاید عبارات و کلماتیکه پدر و مادر استعمال می کنند با آنچه از دهان فرزندان بیرون می آید فرق دارد ، اما اگر در صحنه ای چهار دختر همکلاس قرار باشد با یکدیگر گفتگو کنند برای شنونده تشخیص اینکه کدامیک حرف می زنند دشوار است ، زیرا صداها و نوع جملات و عبارات نزدیک بهم است و اختلاف زیاد بین آنان غیره معقول خواهد بود . لذا حتی الامکان باید دريك صحنه صداها و نقش های نزدیک بهم وجود نداشته باشد .

در صورتیکه دو نفر از نظر سن و صدا بیکدیگر نزدیک باشند و لازم باشد دريك صحنه گفتگو کنند مهارت نویسنده میتواند اختلافی را که در صدا کمتر وجود دارد با نمایاندن اختلاف در طرز فکر و عبارات آنان جبران کند . همچنین گاهی در آغاز جمله ، کسی که سخن میگوید نام دیگری را بزبان می آورد ، یا شغل یا لقب یا صفت اخلاقی او را که قبلاً به شنونده معرفی شده است در آخر جمله ذکر می کند . مثلاً اگر موضوع صحبت اختلاف در خرج کردن یا نکردن پولی باشد جملات به این شکل خواهد بود :

محمود - من باور نمی کنم که صرف این پول در این راه فایده ای داشته باشد .

احمد - محمود اشتباه می کنی خیلیم مفیده .

محمود - وجود خود این پول در حساب بانکی من فایده اش از فایده احتمالی خرج کردن اون به مراتب بیشتره .

احمد - پول برای خرج کردنه ، خسیس .

محمود - بشرط اینکه همیشه داشته باشی که خرج کنی آقای ولخرج

در این گفتگو یک نوبت اسم یکی از بازیکنان و دو نوبت صفت آنان (خست و ولخرجی) بگوش شنونده میرسد و در صورتیکه شنونده سابقه خست محمود و ولخرجی احمد را داشته باشد مطالب کاملاً برایش قابل درك خواهد بود .

نکته دیگری را که باید در نظر داشت اینست که در مجموع نمایشنامه نیز نباید تعداد هنرپیشگان زیاد باشد . زیرا شنونده اسم و خصوصیات و روابط آنها را نمی تواند بخاطر بسیاری . حداکثر تعداد هنرپیشگان بطور متعارف دريك نمایشنامه نیم ساعتی ۵ یا ۶ نفر است . هر قدر سعی شود هنرپیشگان در همان دقایق اول وارد صحنه ها شوند بهتر است زیرا

شنونده زودتر با آنها آشنا میشود و فرصت بیشتری برای درک و فهم روابط و شناسائی هنرپیشگان دارد .

د- صدا (ساندافکت) Sound effect ساند افکتها یکی از بهترین عوامل زنده کردن و باروح ساختن نمایشنامه است - بسیاری از صداهارا در طبیعت فقط میشنویم و عوامل تولیدکننده آنها موقع شنیدن نمی بینیم ، مثل صدای جیر جیرك، صدای باد ، صدای رعد هنگامی که در محیط مسدود هستیم . در عین حال این صداها در ما اثر میگذارد ، بهمین دلیل شنیدن صدا از رادیو نیز همان اثر را دارد . استفاده از ساندافکت علاوه بر باروح کردن نمایشنامه ، برای جدا کردن صحنهها از یکدیگر و جلوگیری از حرف زدن مداوم بازیکنان که نتیجه آن یکنواختی و ملال آوردن نمایشنامه است نیز بسیار مفید است .

بسیاری از صداها حالت یا خاطره خاصی را در شنونده ایجاد میکند ، مثلاً صدای اذان بدون تردید بصحنه ، روحانیت می بخشد و منظره مسجد و گلدسته را بخاطر شنونده میآورد . انواع مختلف صداها در صفحاتی ضبط شده است و یکدسته از این صفحات بوسیله سازمان ملل متحد تهیه شده . علاوه بر آن رادیو ایران صداهای دیگری را که شاید خاص محیط ماست ضبط کرده است و در اختیار دارد مانند صدای فروشندگان در جلو بازار یا صداهای داخل يك قهوه خانه ، صدای سمادر ، صدای ریختن برف از پشت بام بکوچه و نظایر آن . کمتر ممکن است اتفاق بیفتد که نویسنده صدائی را در نمایشنامه منظور کند که در بایگانی رادیو ایران موجود نباشد حتی صدای موجودات افسانهای از قبیل اژدها - دیو - خندههای شیطان نیز وجود دارد ، بعلاوه بسیاری از صداها را در استودیو میتوان ایجاد کرد . صداهائی از قبیل باز کردن و بستن ، برداشتن و گذاشتن گوشی تلفن و شماره گرفتن - شکستن ظرف و صداهای دیگری از این قبیل را در استودیو ایجاد میکنند ، زیرا طبیعی تر و آسانتر است . در اختیار داشتن فهرست صداهای موجود در آرشیو رادیو ایران بنویسنده نه تنها کمک میکند بلکه باو الهام و فکر هم میدهد .

باید توجه داشت که نویسنده نباید فقط بنویشتن اسم صدا اکتفا کند ، بلکه باید توضیحی که برای تهیه کننده کافی و قابل درک باشد نیز بآن اضافه کند . مثلاً صرف نوشتن صدای گربه کافی نیست ، زیرا صدای گربه ای که گرسنه است و با التماس طلب خوراکی میکند با گربه ای که از خشم متغیر است فرق دارد . باید نوع صدا نیز مشخص گردد . صدا همانقدر که واقعاً مفید است اگر بیجا و بیمورد یا بر خلاف قاعده و بیش از اندازه بکار رود اثر معکوس دارد . نویسندگان تازه کار معمولاً صداهای زیادی در نمایشنامه منظور میکنند . صدا اگر زیاد و پشت سر هم باشد در تهیه نمایشنامه نیز اشکال فراوان تولید میکند .